شهرام اتفاق از نسبت محیط‌زیست و عدالت بین نسلی می‌گوید

در فهم مسأله محیط‌زیست تعریف روشنی از عدالت نداریم

سهیلا عباس‌پور
خبرنگار گروه اندیشه

محیط‌زیست و فضای فیزیکی عینی‌تری عرضه‌ای است که از سیاست‌ها و افکار انسان تأثیر می‌پذیرد و دچار تغییرات پایدار و ناپایدار می‌شود و در پیوند با زندگی انسان و سایر جانداران زیست‌مند، اصلی است که محل نظریه‌پردازی و سنواتی برای اندیشیدن بوده است و هرگاه هم نادیده گرفته شد، به تخریب‌های بی‌بازگشت، فجایع و تراژدی‌های انسانی و شکست ایده و راهبرد و تضعیف کارکرد دولت‌ها در سایر زمینه‌های حکمرانی منجر شد. آنچه ضرورت اندیشه در این باره را می‌آفریند، اصل بهره‌مندی و بهره‌وری از منابع محیط‌زیست و عناصر چهارگانه و تعریف رابطه انسان با این عناصر است تا کیفیت زیستی را و افزایش دهد و به حفظ نسلش بینجامد. اصل محدودیت منابع و فراوانی شمار انسان‌های روی زمین یکی از مسائلی بود که از قرن هجدهم و با شتاب گرفتن انقلاب صنعتی طرح نظریه‌های جنجالی و رادیکالی را از سوی اندیشمندان آن سوی دنیا سبب شد و دستاویز نظری استعمارگران برای دستیابی به منابع و ثروت‌های طبیعی سایر نقاط کره زمین را به‌وجود آورد و بعدتر رابرت سولو و دیگر اقتصاددانان آن را در رابطه با عدالت برای آینده به کار گرفتند تا در فهم این پرسش که چگونه توزیع مناسبی از کالا میان مردم در مقاطع گوناگونی از زمان حال و آینده آنگونه که باید باشد، آن‌ان استفاده کنند. رالز معتقد کرد که آنچه ما به نسل‌ها بدهکاریم، انباشت سرمایه کافی برای حفظ نهادهای عادلانه ضروری برای جامعه عادلانه است. هر نسلی نباید فقط از بهره‌های فرهنگی و تمدنی محافظت و از نهادهای بی‌نقص عادلانه تأسیس شده نیز نگهداری کند، بلکه باید در هر دوره زمانی میزانی از سرمایه را انباشت کند. دیدگاه راولز و اندیشه‌ای ضروری است برتصورتان از اینسده بودن و کفایت منابع طبیعی و در ایران هستند و اصل ذخیره و حتی صادرکرد، واردات انحصاری از سوی خودشان است و در این راستا از هیچ تلاشی دریغ نورزیده‌اند. از لایی کردن با مدیران و ذی‌نفوذان حکومتی تا قانونگذاران. اما نگرش دیگری که قائل به استفاده درست و بهینه از محیط‌زیست و منابع آن است، در رویکرد دارد؛ رویکرد مصرف درون‌نسلی صرف و رویکرد دیگر که اثباتست منابع بنا بر حق بهره‌برداری نسل آتی و برخورداری آنها را میرم می‌شمارد و با این دید، به شیوه مصرف و بهره‌گیری نسل حاضر و توزیع آن از سوی دولت منتقد است و اصلاح آن را مدنظر دارد. در این راستا، هرگونه رویکردی که نگرش غالب شود، سیاست را برگرفته از آن و نتایجش، بدیهی است که دولت را در عرصه عمومی اجتماع با پرسش‌ها و واکنش‌هایی روبه‌رو می‌کند و جایی که به احساس بی‌عدالتی و تبعیض منجر شود یا سایر اعتراض‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی‌ای که خواهد خورد و همراهی خواهد کرد و ساکنان مناطق مختلف از شهری تا روستایی را به تبعیر حق و حقوق، اجحاف، شرایط نامناسب بهداشتی، کاری، دسترسی به امکانات در تطبیق با شرایط زیست‌محیطی بوی خود امکانات آن و در مقایسه با مناطق برپای از کشور به برخورداری زیست محیطی کمتر و رفاه بیشتر و دسترسی آسان‌تر، واکنش نشان خواهد داد. فلاسفه برآنند پایداری زیست‌محیطی به معنای برخورداری از محیط‌زیست متعادل و بهره‌برداری از منابع برای اندیشیدن برای آینده و ایجاد پایداری محیطی را وظایف عدالت توزیعی بین نسل‌های زمین بدانند. از آنجایی که هر نسلی به‌طور مساوی از نعمت محیط طبیعی برخوردار است و باید سهم عادلانه‌ای از آن داشته باشد، باتوجه به تقدم نسل‌ها در زمان بر یکدیگر، وظیفه نسل‌های پیشین اطمینان پیدا کنند نسل بعدی سهم خود را دریافت می‌کند. با اقدام پایدار برای انجام این وظیفه و روش‌های پایدار، می‌توان محیط‌زیست را برای آینده حفظ کرد. اما این سهم منصفانه از محیط‌زیستی این‌گونه گوناگون، پویا و پیچیدگی چیست؟ چگونه باید طبیعت را به‌منظور تعیین میزان سهمی از آن ارزش‌گذاری کنیم؟ رالز عدالت بین نسلی را در قالب عدالت توزیعی صورت‌بندی کرد و زمینه طرح تئوری پایداری زیست‌محیطی